

رسول خادم: اگر قرار به باختن است... همه با هم بازی

بعداستعفا و بیانیه نخست خادم، تعدادی از مقامات ورزشی، سیاسی و نظامی، نقدهایی را در این رابطه در مطبوعات و رسانه‌ها منتشر کردند. که خادم در بیانیه دوم به آنها پاسخ داد و خواستار دوراندیشی و مدیریت عاقلانه و بدون شعار پردازی و جبهه گیری بحران پیش آمده شد. متن بیانیه دوم به شرح زیر است:

«ضمن تشکر از محبت همه اعضای عزیز و محترم خانواده بزرگ کشتی ایران نسبت به این حقیر، بعنوان عضو کوچک این خانواده پرافتخار، تقاضا دارم در کنار کشتی بمانید و لحظه‌ای آن را رها نکنید. کشتی باندازه کافی تنها است... حکایت من هم داستان خسته شدن و تسلیم شدن نیست...

بگذریم... نکته دیگر این که، در این چند روز، در مواجهه با برخی از اظهار نظرهای مقامات محترم وابسته به نهادهای سیاسی و بعضاً نظامی درباره صحبت‌های اعلام شده از سوی بنده، درباره رقابت ورزشکاران ایرانی با نمایندگان رژیم صهیونیستی، بسیار متعجب شدم. این عزیزان یا واقعاً متوجه موضوع نمی‌شوند و یا خود را به ندانستن می‌زنند... بنده هیچ مرجعیت و مسئولیتی در قبال اینکه ورزشکاران ایرانی با چه کشوری مسابقه بدهند یا ندهند، نداشته و ندارم... اینگونه موضوعات مراجع خود را دارد...

تمام سخن من به عزیزی که نام «رژیم صهیونیستی» آنها را به یاد خط قرمز نظام سیاسی می‌اندازد این است که، اگر به آنچه می‌گویید به عنوان یک اصل در مواضع نظام سیاسی کشور اعتقاد دارید، به شهید مصطفی چمران و سردار قاسم سلیمانی تأسی نمایید، سلاح بردارید و پیشاپیش ورزشکاران ملی پوش حرکت کنید. نه اینکه قهرمانان ملی را سپر بلای خود قرار دهید.

شما می‌توانید رسماً و با صدای بلند مواضع نظام سیاسی ایران را در ارتباط با عدم انجام مسابقه با حریفان رژیم صهیونیستی به کمیته بین المللی المپیک اعلام کنید و در این مسیر از توان دیپلماتیک خود نیز استفاده نمایید. مطمئناً اگر به اهمیت کسب افتخارات ملی از سوی قهرمانان ملی کشور، اعتقاد داشته باشید، می‌توانید کمیته بین المللی المپیک را در تعاملات دیپلماتیک خود از فضای یک طرفه امروز که متاثر از لابی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس علیه این سیاست ایران است، به تعادلی مناسب‌تر برسانید، تا ضمن حفظ خط قرمز مورد نظرتان، قهرمانان ملی مان نیز بتوانند از هجمه محرومیت‌های سنگین و تعلق‌ها در امان باشند و یا شاید به راهکارهای جدید دیگری نیز برسید. لازمه ایجاد این فضای متعادل برای تیمهای ورزشی ما در کمیته بین المللی المپیک این است که دستگاه دیپلماسی جلو حرکت کند و قهرمانان ملی در سایه حمایت دستگاه دیپلماسی و

در هماهنگی کامل با آنها پشت سر.

حال ما قهرمان ملی را متغفلانه و مظلومانه جلو می‌فرستیم. بدون هیچ حمایت دیپلماتیکی. بعد مجبور می‌شویم بر خلاف ادعایمان از ورزشکار رژیم بخواهیم پیش از مواجهه با ورزشکار رژیم صهیونیستی، ببازد و یا مریض شود... آیا این مسئله از موضوع بر جام پیچیده تر است؟ آیا مسئله هسته‌ای را کارشناسان امور هسته‌ای ما دنبال کردند؟ یا قدرترین تیمهای دیپلماسی ما؟

در حال حاضر مناسبات سیاسی حاکم بر کمیته بین المللی المپیک فرق کرده و قدرت سیاسی غالب بر این نهاد بین المللی، آمریکایی - رژیم اشغالگر قدس است، به همین دلیل محرومیت‌ها و جرائم سنگین شده و عملاً کمیته بین المللی المپیک افتاده دنبال ایران، دیگر بازی زودتر ببازد یا مریض شو جواب نمی‌دهد... هر چه سریعتر شورای امنیت ملی باید دستگاه دیپلماسی را مسئول پیگیری موضوع مواضع نظام سیاسی ایران در کمیته بین المللی کند. دستگاه دیپلماسی هم باید با تشکیل تیمهای مجرب، هم از مواضع سیاسی ایران در ورزش دفاع کند و هم با تعاملات خود فشارهای سیاسی طرف مقابل را تعدیل کند. به گونه‌ای که قهرمان ملی کمترین آسیب را متحمل شود...

بدیهی است تیم دیپلماسی به هر نتیجه‌ای برسد قهرمانان ملی همان را اجرا خواهند کرد.

هیچ راهی جز این نداریم...

اما متأسفانه گویا قهرمانان ملی و اهمیت افتخاراتی که برای مردم ایران کسب می‌کنند، برای رجال مسوول یک نوع سرگرمی اجتماعی است، که بود و نبود آن چندان هم فرقی نمی‌کند. از این روست که به راحتی قهرمان ملی را بدون هیچ حمایتی به میدان جنگ می‌فرستیم...

قهرمان ملی در واقع پیاده نظامی است که هیچ پشت و پناهی ندارد. این بسیار ناجوانمردانه است که بویژه در شرایط موجود و اوج گیری مناسبات آمریکایی - رژیم اشغالگر قدس در کمیته بین المللی المپیک، از قهرمانان ملی مان بخواهیم بار این مسئولیت را به تنهایی بر دوش بکشند. چطور وقتی شما مسوول هستید و باید موضوع را از کمیته بین المللی المپیک دنبال کنید، خود را کنار کشیده‌اید؟ می‌دانید این گم بودن شما چه معنایی دارد؟ یعنی حسن رحیمی، سعید عبدولی، کامیل قاسمی، حسن یزدانی، علی گرای، حسین نوری و... پس از مواجه شدن با قرعه رژیم صهیونیستی، با توجه به حساسیتها و محرومیت‌های جدید، باید بپذیرد که خودش محروم شود (محرومیتی که حتی می‌تواند مادام العمر باشد). مری‌اش هم محروم شود، کشتی ایران تعلق شود، افکار عمومی داخل و خارج کشور بعضاً او را ترسو، بزدل

و مزدور بخوانند، و تا تاریخ پابر جاست، حرکت او را عامل محرومیت کشتی ایران معرفی کنند و از همه جالبتر این که، در زمان تحلیل موضوع، شما هم در کنار سایرین می‌ایستید و قهرمانان ملی، مریبان و فدراسیون‌های آنها را، متهم به بی‌عرضگی می‌کنید که نتوانسته‌اند مدیریت کنند تا ما به رژیم صهیونیستی نخوریم...

رجال محترم!

نمیدانم متوجهید چه می‌گویم یا نه؟ ما ۸ مسابقه جهانی از تیر ماه تا انتهای مهر ماه سال ۹۷ داریم که در تمامی آن مسابقات، تیمهای کشتی رژیم صهیونیستی که بعضاً از دیگر کشورها به استخدام درآمده‌اند، کاملتر از همیشه شرکت می‌کنند. قهرمانان ملی مان در تمامی تنگناهای اقتصادی و اجتماعی جامعه، مایه غرور، امید و نشاط اجتماعی هستند...

دقت کنید، دانشمندان هسته‌ای بر روی چشمان ما جای دارند. اما عامه مردم ما با آنها زندگی نمی‌کنند. با شما رجال سیاسی هم زندگی نمی‌کنند اما با حسن یزدانی که بچه روستاست و بعد از قهرمان المپیک شدنش هم در همان روستا، در همان خانه و در کنار همان مردم روستایی زندگی می‌کند، و منزلش را به خیابان‌های الف، ب و جیم نیاورده، زندگی می‌کنند... جامعه امروز ما بیش از همیشه به قهرمانان ملی اش نیاز دارد... شما باید برای حفظ این قهرمانان ملی برای مردم کشورمان بجنگید، نه اینقدر بی تفاوت و بی ارزش با چنین سرمایه‌های اجتماعی بزرگی برخورد کنید...

من به عنوان یک مربی، چگونه بپذیرم در حالی که مسئولین مستقیم این موضوع، خود را کاملاً کنار کشیده‌اند، به قهرمان ملی مردم بگویم: «باید بازی...»

به شما می‌گویم، شما هم باید به میدان بیایید و اگر قرار به باختن است، «با هم بازییم...»

بی تفاوتی شما نسبت به جایگاه قهرمانان ملی و ناراستی در رفتار و گفتار آن که هم شعار عدم مسابقه با ورزشکاران رژیم صهیونیستی را بعنوان خط قرمز و پیام انقلاب سر می‌دهید و هم پشت سر، تلاش می‌کنید ورزشکاران ایرانی از طریق گواهی پزشکی و یا به حریف قبلی باختن، به گونه‌ای تدبیر کنند که کسی متوجه عدم رویارویی آنها، با رژیم صهیونیستی نشود، آدمی را به این نتیجه می‌رساند که، شما به آنچه می‌گویید اعتقاد ندارید...

شما بابتی تفاوتی و عدم حمایت از قهرمانان ملی این ملت، هدفی را دنبال می‌کنید که دشمنان سرزمین ما خواستار آن هستند...

باید که ز داغم خبری داشته باشد

هر مرد که با خود جگری داشته باشد

حالم چو دلیری است که از بخت بد خویش

در لشکر دشمن پسری داشته باشد